



دانشگاه باقر العلوم
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)

دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته:

تاریخ اسلام

عنوان:

راهبرد و روشهای همگرایی مذاهب اسلامی در سیره امام صادق (علیه السلام)

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید رضا مطهری

استاد مشاور:

دکتر سید حسین فلاح زاده

نگارش:

مصطفی نادری

1395

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهبرد و روشهای همگرایی مذاهب اسلامی در سیره امام صادق (علیه السلام)

چکیده :

مقوله همگرایی اسلامی و اتحاد و انسجام بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی یکی از موضوعات بسیار مهم در تاریخ اسلام به شمار می آید که در آموزه های قرآن و سنت نبوی نیز بر آن تأکید شده و تنازع و اختلاف و درگیری های قومی و فرقه ای را عامل دور شدن مسلمانان از رسیدن به اهداف و آرمانهایشان معرفی می نماید.

بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در دوران های مختلف، ائمه اطهار (علیهم السلام) به عنوان انسانهای کامل و برگزیده و الگوی ماندگار و عملی، تلاش های فراوانی را در جهت حفظ اتحاد بین مسلمانان و ایجاد همگرایی اسلامی انجام می دادند.

در این میان عصر امام صادق (علیه السلام) به دلیل شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یکی از پیچیده ترین و پر مخاطره ترین دوران های تاریخ اسلام به شمار می آید که از یک سو مذاهب مختلف با آراء و افکار متفاوت در بین امت اسلامی قدرت و نفوذ فراوانی یافته بودند و از سوی دیگر اندیشه های غیر اسلامی وارد جامعه اسلامی شده و جامعه اسلامی را با چالش های مهمی مواجه کرده بودند که تلاشهای امام صادق (علیه السلام) در جهت حفظ یکپارچگی و وحدت بین مسلمانان در مواجهه با این مشکلات و چالش ها از اهمیت بالایی برخوردار می باشد. از این رو آشنائی با سیره امام صادق (علیه السلام) و نوع نگاه آن حضرت به مقوله همگرایی اسلامی و راهبرد و روشهای آن حضرت در جهت رسیدن به این امر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آن حضرت با به کارگیری راهبرد و روشهای اجتماعی همچون احترام به عقاید و باورهای پیروان سایر مذاهب اسلامی و شرکت در شعائر و مناسک دینی و نیز راهبرد و روشهای فرهنگی نظیر مناظره های صحیح و هدفمند و همچنین راهبرد و روشهای سیاسی مانند به کارگیری تقیه و رازداری و عدم انتشار اسرار، در ایجاد همگرایی اسلامی کوشیدند که در این پژوهش سعی شده است تا با تکیه بر منابع تاریخی و روایی ضمن بررسی وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام صادق (علیه السلام) به معرفی و تبیین این راهبرد و روشها در رسیدن به همگرایی اسلامی مطلوب پرداخته و معیارها و ملاک های مناسبی را برای همگرایی و انسجام اسلامی ارائه نمائیم.

کلید واژه ها

امام صادق (علیه السلام)، راهبرد، روش، همگرایی، مذاهب اسلامی، انسجام اسلامی.

فهرست مطالب

1	پیش‌گفتار :
4	طرح تحقیق
4	1-1 بیان مسأله
5	2-1 اهداف
6	3-1 پرسش‌ها و فرضیه و پیش‌فرض
6	1-3-1 پرسش‌ها
6	3-1-2 فرضیه
6	4-1 پیشینه تحقیق
8	5-1 روش تحقیق و مراحل آن
8	6-1 معرفی گزیده‌ای از منابع
11	7-1 تعاریف و اصطلاحات
11	7-1-1 امام صادق (علیه السلام)
14	7-2-1 همگرایی
15	7-3-1 راهبرد
16	7-4-1 روش
16	7-5-1 سیره
17	8-1 پیشینه همگرایی
18	9-1 همگرایی اسلامی
19	9-1-1 همگرایی در قرآن
21	9-2-1 همگرایی در سیره پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)
25	9-3-1 همگرایی در سیره امامان معصوم (علیهم السلام)
27	9-4-1 نقد گزاره‌های غیر همسو
29	10-1 مبانی و مبادی همگرایی
29	10-1-1 توجه به اصول و اشتراکات مذهبی
30	10-2-1 احترام به عقائد فرقه‌ها و دوری از مطلق‌اندیشی
31	10-3-1 عبادت‌های جمعی

31 1-10-4- بینش و آگاهی مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر

31 1-10-5- عالمان و رهبران مذاهب اسلامی

32 1-11- آثار و نتایج همگرایی

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. 2-1- وضعیت فرهنگی

Error! Bookmark not defined...... 2-1-1- جایگاه علم و فرهنگ در عصر امام صادق (علیه السلام)

Error! Bookmark not defined...... 2-1-2- فرق و مذاهب اسلامی عصر امام صادق (علیه السلام)

Error! Bookmark not defined...... 2-1-2-1- معتزله

Error! Bookmark not defined...... 2-1-2-2- مرجئه

Error! Bookmark not defined...... 2-1-2-3- خوارج

Error! Bookmark not defined...... 2-1-2-4- شیعه

Error! Bookmark not defined. 2-2- وضعیت اجتماعی :

Error! Bookmark not defined...... 2-2-1- عدم تمایل به شرکت در نماز جماعت مخالفان

Error! Bookmark not defined...... 2-2-2- رواج انحرافات دینی

Error! Bookmark not defined...... 2-2-3- تکفیر

Error! Bookmark not defined. 2-3- وضعیت سیاسی :

Error! Bookmark not defined...... 2-3-1- سقوط امویان و ظهور عباسیان :

Error! Bookmark not defined...... 2-3-2- عصر اموی :

Error! Bookmark not defined...... 2-3-3- خلافت عباسیان :

Error! Bookmark not defined...... 2-3-4- قیام ها و جنبش های عصر امام صادق (علیه السلام) :

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. 3-1- تأکید بر اصول و مشترکات دینی

Error! Bookmark not defined. 3-2- نشر و توسعه فرهنگ و علوم اسلامی

Error! Bookmark not defined. 3-3- مناظره صحیح و هدفمند

Error! Bookmark not defined. 3-4- مقابله با باورها و اعتقادات منحرف و شبهات تفرقه انگیز

Error! Bookmark not defined...... 3-4-1- غالیان

Error! Bookmark not defined...... 3-4-2- زنادقه

Error! Bookmark not defined. مقدمه :

Error! Bookmark not defined. 4-1- حضور و همگامی در شعائر و مناسک دینی

Error! Bookmark not defined...... نماز جماعت 4-1-1-4

Error! Bookmark not defined...... نماز جمعه و عیدین 4-1-2-4

Error! Bookmark not defined...... امر به معروف و نهی از منکر 4-1-3-4

Error! Bookmark not defined...... حج 4-1-4-4

Error! Bookmark not defined. پیوند های اجتماعی و عاطفی نیکو با مسلمانان 4-2-4

Error! Bookmark not defined. مجامله و مدارا با مخالفان 4-3-4

Error! Bookmark not defined. احترام به باورها و مقدسات پیروان سایر مذاهب و عدم تحمیل عقیده 4-4-4

Error! Bookmark not defined. مقدمه : 5-1-1-4

Error! Bookmark not defined. 1- تقیه 5-1-2-4

Error! Bookmark not defined. 2- رازداری و عدم انتشار اسرار 5-2-1-4

Error! Bookmark not defined. 3- موضع گیری امام صادق (علیه السلام) در برابر جریانهای سیاسی 5-3-1-4

Error! Bookmark not defined...... 1-3-5 پرهیز از قیام و انقلاب فراگیر علیه حکومت 5-3-2-4

Error! Bookmark not defined...... 2-3-5 عدم پذیرش پیشنهادهای رهبری سیاسی قیام های مخالف حکومت 5-3-3-4

Error! Bookmark not defined. نتیجه گیری 5-3-4-4

Error! Bookmark not defined. فهرست منابع 5-3-5-4

پیش گفتار :

وحدت اسلامی و همگرایی بین مذاهب مختلف اسلامی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت ایستادگی و پویایی و هویت امت اسلامی و از مهم‌ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در همه صحنه‌هاست، و در مقابل، تفرقه و تشتت جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه‌های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت.

دعوت به وحدت و یگانگی مسلمانان و برقراری همگرایی اسلامی و پرهیز از تفرقه، از دستورات قرآن و سیره نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) است.

بنابراین اتحاد و انسجام امت اسلامی یک ضرورت و دستور قرآنی و تفرقه یک عمل ناصواب و مفسد و زیان‌بار از نظر دین و عقل است و کوشش برای وحدت و برادری، حرکت در جهت رهنمودهای الهی و اقتدا به سنت پیامبر و اولیای دین است.

شکی نیست که وحدت بین مذاهب اسلامی از شعارهای معروف چند دهه اخیر است و درباره معنا و مفهوم واقعی وحدت و همگرایی اسلامی بحثهای فراوانی نیز وجود داشته است. برخی از مخالفین وحدت، آن را به معنای رهاکردن دست کم برخی از عقاید می‌دانند که در این صورت دیگر نه منطبق با عقاید شیعه و نه سنی می‌شود، برخی هم آن را به معنای پنهان کاری و دروغ‌گویی در آراء و نظریات دانسته و رد می‌کنند.

خلاصه به جهت وجود دیدگاه‌های گوناگون در رابطه با این بحث بهترین روش در جهت پی بردن به مفهوم واقعی وحدت و همگرایی بین مذاهب اسلامی علاوه بر متون دینی، سیره رهبران دینی و ائمه مذاهب به عنوان الگوی ماندگار و عملی برای تحقق این امر می‌توانند به شمار آیند.

در این میان سیره عملی و زندگانی پیشوای ششم شیعیان نشان می‌دهد که رفتار و تعامل سازنده امام صادق (علیه السلام) به عنوان امام و رهبر شیعیان با رهبران و پیروان دیگر مذاهب، چگونه به تقریب و همبستگی و ایجاد روابط دوستانه و صمیمی آن حضرت با آنها می‌انجامد.

بر همین اساس نوشتار حاضر به منظور بیان راهبرد و روشهای همگرایی بین مذاهب اسلامی در سیره امام صادق (علیه السلام) در پنج فصل تدوین شده است که در فصل اول، بعد از بیان کلیات تحقیق و تعریف برخی از اصطلاحات، به ذکر آیات و روایاتی از ائمه اطهار (علیهم السلام) پرداخته شده است.

فصل دوم این نوشتار به بررسی اوضاع و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام صادق (علیه السلام) پرداخته تا با شناخت بهتر از آن دوران، بتوان به درک بهتری نسبت به سیره آن حضرت در به کار بستن این راهبرد و روشها در رسیدن به همگرایی اسلامی، رسید.

همگرایی و تقریب بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی با سلايق و افکار گوناگون بدون ملاحظه مبانی و اصول مشترک و بدون ارائه چارچوب و محورهای مورد قبول همگان به هیچ وجه میسر نخواهد شد؛ از همین جهت امام صادق (علیه السلام) ضمن قبول وجود این باورها و اندیشه های متفاوت، آن ها را منافاتی با برقراری الفت و همبستگی بین مسلمانان نمی دیدند. از همین جهت ایشان به عنوان یک امام و رهبر دینی، راهبرد و روشهایی همچون تأکید بر اصول و مشترکات دینی، نشر و توسعه فرهنگ و علوم اسلامی، برگزاری جلسات مناظره و نیز دفع شبهات از تشیع را همواره به شیعیان و دوستان خویشتن سفارش و تأکید می فرمودند که توضیح و تفصیل بیشتر راجع به این شیوه ها در فصل سوم بیان شده است.

در فصل چهارم به راهبرد و روشهای اجتماعی برای انسجام اسلامی در سیره امام صادق (علیه السلام) اسلامی پرداخته شده است، که این راهبرد و روشها را می توان در مواردی همچون: حضور و همگامی در شعائر و مناسک دینی، برقراری پیوندهای اجتماعی، مجامله و مدارا با مخالفان و احترام به باورها و مقدسات آنها و نیز پرهیز از تعصبات کورکورانه و تکفیر دیگران، مشاهده نمود.

امام صادق با ملاحظه اوضاع و شرایط سیاسی حاکم بر عصر خویش و به منظور فراهم کردن بستر مناسبی در جهت همگرایی اسلامی علاوه بر راهبرد و روش های فرهنگی و اجتماعی که در فصل های سوم و چهارم به آن ها پرداخته شده است، راهبرد و روشهای سیاسی همچون؛ راز داری و عدم انتشار اسرار، موضع گیری در برابر رویدادهای سیاسی و تقیه را مورد تأکید و سفارش فراوان قرار می دادند که فصل پنجم به تبیین و بررسی این راهبرد و روشها اختصاص داده شده است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

طرح تحقیق

1-1 بیان مسأله

همگرایی بین مذاهب اسلامی از ضروری ترین نیازهای جامعه اسلامی بوده و در قرآن کریم و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز بر آن تأکید شده است و ائمه اطهار (علیه السلام) نیز توجه ویژه ای به این مهم داشته اند. با وجود فعالیت گرایشها و مذاهب مختلف در دوران مختلف تاریخ اسلام، سیره معصومین (علیهم السلام) به گونه ای بوده است که حاکی از تعامل عملی این بزرگواران با گرایشها و مذاهب مختلف اسلامی در جهت رسیدن به همگرایی و وحدت بین یکدیگر و پرهیز از هرگونه تفرقه و تشتت با حفظ اصول اعتقادی بوده است.

در این میان عصر امام صادق (علیه السلام) از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا از یک سو مذاهب مختلف با آراء و افکار متفاوت در بین امت اسلامی قدرت و نفوذ فراوانی یافته بودند و از سوی دیگر اندیشه های غیر اسلامی وارد جامعه اسلامی شده و کلیت جامعه اسلامی را مورد تهدید جدی قرار داده بودند.

نوع رفتار و تعامل امام جعفر صادق (علیه السلام) در مواجهه با این گروهها، فرقه ها و نمایندگان آنها، حضور چهره های برجسته فرق مختلف در مجالس درس امام صادق (علیه السلام) و مدارا و اخلاق مداری در برخورد با آنها، ترک مخاصمه و ستیزه جویی در امور دینی و پرهیز از تکفیر پیروان سایر مذاهب اسلامی، نشان دهنده گوشه ای از تلاش های آن حضرت در ایجاد وحدت و همگرایی بین مسلمانان بوده است.

امام صادق (علیه السلام) همچنین با درک صحیح از اوضاع و شرایط سیاسی زمانه و با آگاهی از ماهیت فکری و اعتقادی خلفا و برخی از افراد و گروه های دیگری که به دنبال بهره برداری از جایگاه اجتماعی آن حضرت برای کسب مشروعیت بودند، نه تنها از پرداختن به امور سیاسی پرهیز می نمودند، بلکه به منظور جلوگیری از بروز اختلافات و تنازعات احتمالی بین مسلمانان، دیگران را نیز از مداخله در امور سیاسی و فعالیت هایی که منجر به ملتهب شدن فضای عمومی جامعه اسلامی می گردید، بر حذر می داشتند. توصیه امام (علیه السلام) به عبدالله بن حسن (م 145هـ ق) از جمله این

مواردی است که در سیره امام صادق (علیه السلام) در برقراری و حفظ وحدت و انسجام اسلامی می توان به آن اشاره نمود.

در این پژوهش برآنیم تا با تکیه بر منابع تاریخی و حدیثی به تبیین و بررسی وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام صادق (علیه السلام) پرداخته و راهبردها و روش های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن حضرت در ایجاد همگرایی بین مسلمانان را تبیین نماییم. بی تردید موفقیت در تحقق این هدف مهم در شرایط پر تنش فعلی جهان اسلام که هر روز بر عمق و ابعاد تشتت میان مسلمانان افزوده می شود می تواند در کم کردن فاصله های ایجاد شده سودمند باشد.

1-2 اهداف

الف) شناخت سیره امام صادق (علیه السلام) در چگونگی همگرایی بین مذاهب مختلف و ایجاد وحدت بین مسلمانان با مراجعه به اسناد و منابع و ارائه پژوهشی روشمند و علمی در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)

ب) با توجه به اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حال حاضر مشاهده می شود که جوامع اسلامی به دلیل کمرنگ شدن وحدت بین آنها زمینه مناسبی را برای نفوذ قدرتهای استعمارگر و ظالم در بین مسلمانان و ایجاد تفرقه در بین آنها را فراهم کرده است که بهترین راه برای مبارزه با این جریان آشنا کردن مسلمانان با سیره و روش پیشوایان و امامان دینی در جهت برقراری اتحاد و همبستگی بین مذاهب مختلف می باشد که دوران امام صادق (علیه السلام) و سیره آن بزرگوار در ایجاد همگرایی بین مذاهب مختلف می تواند الگوی مناسبی برای تحقق این مهم باشد.

1-3 پرسش ها و فرضیه و پیش فرض

1-3-1 پرسش ها

پرسش اصلی :

دیدگاه امام صادق (علیه السلام) در مورد همگرایی مذاهب اسلامی چه بوده و آن بزرگوار در راستای تحقق همگرایی مذاهب اسلامی چه راهبردهایی را در پیش گرفتند؟

پرسش های فرعی :

اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر امام صادق (علیه السلام) چگونه بود؟

امام صادق (علیه السلام) برای ایجاد همگرایی مذاهب اسلامی چه راهبرد و روشهای علمی، فرهنگی را اتخاذ کردند؟

راهبرد و روش های اجتماعی امام صادق (علیه السلام) برای ایجاد وحدت بین مسلمانان چگونه بودند؟

امام صادق (علیه السلام) از چه راهبرد و روشهای سیاسی برای ایجاد همگرایی بین مسلمانان بهره بردند؟

1-3-2 فرضیه

امام صادق (علیه السلام) همگرایی مذاهب اسلامی را ضروری ترین نیاز جامعه دانسته و ضمن تأکید بر آن راهبردهایی همچون مدارا با مخالفان، ترک مخاصمه، پرهیز از تکفیر مخالفان فکری و مذهبی و ... را جهت تحقق همگرایی در پیش می گرفتند.

1-4 پیشینه تحقیق

با مطالعات و بررسی های به عمل آمده مشخص شد که در رابطه با این موضوع به صورت مستقل کاری که با توجه به سیره امام صادق (علیه السلام) تدوین شده باشد صورت نگرفته است ولی به

شکل پراکنده و یا کلی آثاری توسط محققین به رشته تحریر درآمده است. از جمله آثاری که در زمینه همگرایی و وحدت بین مذاهب اسلامی و با در نظر گرفتن سیره ائمه اطهار (علیه السلام) تدوین شده و به این موضوع نیز اشاره کرده اند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کتاب الامام الصادق و المذاهب الاربعه تألیف اسد حیدر (م 1400هـ ق)

در این کتاب نگاهی جامع به طول دوران پربرکت زندگانی امام صادق (علیه السلام) شده است و به مباحثی از قبیل معرفی مذاهب اهل سنت و نیز سیره امام صادق (علیه السلام) در برقراری ارتباط با آن مذاهب و نوع برخورد با آنها شده است.

2. کتاب امامان شیعه و وحدت اسلامی تألیف آقای علی آقا نوری

محتوای کتاب مذکور عبارت است از: بیان سیره و سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیه السلام) به ویژه امام علی (علیه السلام) در جهت وحدت و همگرایی سیاسی، اجتماعی و مذهبی بین مسلمانان و ارائه راهکارهای مناسب علمی و عملی توسط آن بزرگواران به عنوان برجسته ترین الگوهای دینی که در ضمن بیان این مباحث به سیره امام صادق (علیه السلام) نیز در این رابطه اشاره شده است.

3. کتاب انسجام اسلامی در روایات از دیدگاه شیعه و اهل سنت اثر فدا حسین

در این کتاب به پنج محور مبانی وحدت و انسجام اسلامی، اهمیت و ضرورت وحدت اسلامی، عوامل انسجام و وحدت اسلامی، عوامل افتراق امت اسلامی، آثار و فواید اتحاد و انسجام اسلامی، با موضوع اتحاد و انسجام اسلامی پرداخته شده است که اغلب مطالب با توجه به آیات قرآن و فرمایشات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیه السلام) بویژه حضرت علی (علیه السلام) به بررسی این موضوع پرداخته است که در خلال مباحث به فرموده های امام صادق (علیه السلام) نیز اشاراتی شده است.

4. کتاب الامام الصادق (علیه السلام)

مرحوم مظفر نیز کتابی با عنوان الامام الصادق (علیه السلام) به رشته تحریر در آورده است که در این کتاب ایشان زندگی امام صادق (علیه السلام) را به طور مختصر از زوایای مختلف نگریسته و بررسی نموده است. این کتاب از منابع مهم و معتبر در بررسی شخصیت امام صادق (علیه السلام) و ابعاد والای آن به شمار می آید. همچنین در این کتاب به مباحثی از جمله دوران حکمرانی امویان و عباسیان، فرقه های مختلف اسلامی در زمان امام صادق (علیه السلام) و نیز حیات علمی و سیره و اخلاق آن حضرت پرداخته شده است.

5. شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (علیه السلام)

این کتاب به بیان اهمیت و ارزش مناظره با توجه به محیط فرهنگی جامعه اسلامی پرداخته است که در ضمن مباحث به شیوه های صحیح مناظره توسط امام صادق (علیه السلام) با سایر متفکران و اندیشمندان برجسته از مذاهب مختلف اسلامی نیز اشاره گردیده است.

6. شیوه های تعامل و همزیستی پیروان مذاهب اسلامی، حسین رجبی

این کتاب در هشت فصل به نگارش درآمده است که در آن اصول و محورهای تعامل از دیدگاه قرآن و سنت و نیز روش ها و شیوه های تعامل از نگاه متفکران و علماء و دانشمندان اسلامی بیان گردیده است.

1- 5 روش تحقیق و مراحل آن

در این پژوهش پس از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای، با شیوه تاریخی به تدوین آن پرداخته ایم به این معنی که سعی شده است پس از مقایسه گزارش ها و اخبار موجود در منابع و پالایش آنها به تدوین آن بپردازیم.

1- 6 معرفی گزیده ای از منابع

1. اخبار الطوال : نوشته ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (متوفی 283 ق) است که علاوه بر

تاریخ در علوم دیگری مانند ریاضی، نجوم، هندسه و لغت شناسی مهارت داشته است.

مؤلف در این کتاب از روش تاریخ نگاری ترکیبی استفاده نموده و وقایع را سال به سال و یا برحسب سلسله و کشور یاد نکرده، بلکه آن‌ها را از آغاز تا فرجام، پیوسته آورده است. در این روش، مورخ به جای ذکر روایات مختلف، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن‌ها، واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح داده است.

این اثر مهم تاریخی او از تواریخ عمومی محسوب شده و اخبار مفید و دست اولی درباره تاریخ اسلام و ایران را شامل می شود، بنابراین مطالب این کتاب را می توان به سه بخش کلی تقسیم نمود: تاریخ پیامبران، شرح حال و سرگذشت پادشاهان ایران و روم و تاریخ اسلام که از پیکارهای اعراب و ایرانیان در دوره خلافت عمر شروع و تا پایان خلافت معتصم (متوفی 227 ق) ادامه می یابد.

2. تاریخ یعقوبی: از قدیم‌ترین تاریخ‌های عمومی به عربی، نوشته احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی (م 284 ق) از مورخان جغرافی دان قرن سوم هجری است.

این کتاب خلاصه‌ای از تاریخ جهان از آغاز تا اواسط سده سوم هجری قمری است که دارای دو بخش می باشد: تاریخ قبل از اسلام و تاریخ بعد از اسلام. در بخش دوم این کتاب، به زندگی پیامبر اسلام و امامان معصوم تا امام هادی (علیه السلام) اشاره شده است.

اهمیت تاریخ یعقوبی از آن جهت می باشد که به عصر اول عباسی یعنی دوران امامت امام صادق (علیه السلام) نزدیک تر می باشد.

3. تاریخ الرسل و الامم و الملوک: نوشته محمد بن جریر طبری (متوفی 310 ق) از مورخان بنام قرن سوم و چهارم هجری بوده است که از جمله دانشمندان فقه و حدیث به شمار می رفته است وی در نگارش این کتاب از شیوه نقل احادیث بهره برده و ضمن ارائه روایات مختلف از یک واقعه، سلسله سند آن را نیز ذکر کرده است که این روش به محقق اجازه می دهد که به بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارض بپردازد.

این کتاب که مشهور به تاریخ طبری می‌باشد، مهمترین تاریخنامه روایی و سالشمار اسلامی است که در شامل دوبخش عمده می باشد، که بخش اول این کتاب به مباحث خلقت، پیامبران، امت‌های

پیشین، تاریخ و پادشاهان ایران و روم پرداخته شده است که ترتیب ذکر حوادث در این بخش بر حسب ترتیب انبیاء و جایگاه تاریخی حوادث است و در بخش دوم تاریخ طبری نیز در مورد حوادث دوره اسلامی است که از سال اول هجری آغاز و به وقایع سال ۳۰۲ ق ختم شده است.

4. اصول الکافی : اثر ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی (متوفی ۳۲۸ق) معروف به ثقة الاسلام کلینی است، وی از علما و محدثان دوره غیبت صغری بوده است و به دلیل همین هم زمانی با وران نواب اربعه و بخشی از زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) ، روایات با حداقل واسطه نسبت به نویسندگان اصول نقل شده است.

از دیگر ویژگی های این کتاب ذکر اسناد مربوط به احادیث در کتاب می باشد و از نقل احادیث معارض خودداری نموده است.

اصول کافی در هشت بخش کلی شکل گرفته است که کلینی هر یک از این بخشها را با عنوان «کتاب» معرفی کرده است. این عناوین کلی عبارتند از:

کتابُ العقل و الجهل، کتابُ فضل العلم، کتابُ التَّوْحِيد، کتابُ الْحُجَّه، کتابُ الايمان و الکُفْر، کتابُ الدعاء، کتابُ فَضْل القرآن و کتابُ العِشره.

5. مروج الذهب : تالیف ابوالحسین علی ابن حسین المسعودی (متوفی 346ق) معتزلی شافعی از نوادگان عبدالله ابن مسعود است. این مورخ بزرگ به بسیاری از سرزمینهای آن زمان از جمله ایران، یونان، مصر، سوریه، و بسیاری از شهرهای دیگر سفر کرده و در سال 346 هـ ق در شهر فسطاط از دنیا رفت. مسعودی در این کتاب ابتدا از هنگام خلقت حضرت آدم تا پیامبری حضرت ابراهیم را توضیح داده است، سپس به ذکر برخی از پیامبران بنی اسرائیل و اتفاقات مربوط به آنان سخن گفته و همچنین از بسیاری از مناطق مانند کوهها و دریاها و نیز مردمان سرزمینهای مختلف سخن رانده است، سپس اتفاقات زمان پیامبر اکرم 'چگونگی زندگی 'بعثت و رحلت آن حضرت و رویدادهای مهم را مفصل شرح داده و در پی آن از جانشینان آن حضرت و وضعیت جامعه ی اسلامی آن موقع را تا زمان المطیع لله بیست و سومین خلیفه عباسی یعنی سال 334 را شرح داده است.

6. بحار الانوار: نوشته محمدباقر بن محمدتقی معروف به علامه مجلسی (متوفی 1110ق) می باشد. او در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، حدیث، کلام، فقه، اصول، تاریخ، رجال و درایه مسلط، در بسیاری از آنها صاحب نظر بوده است.

این کتاب به عنوان دایره المعارف بزرگ حدیث، شامل کلیه مباحث اسلامی از تفسیر قرآن و تاریخ گرفته تا فقه و کلام و ... و از عمده ترین و گسترده ترین جوامع حدیثی شیعه مطرح بوده است.

در این کتاب مولف روایات کتب حدیث را با تبویب و نظم نسبتاً کاملی جمع نموده است و در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و ... استفاده کرده است. علامه برای جمع آوری مطالب این کتاب به جهت امکانات فراوانی که در اختیار داشته، بهترین و معتبرترین نسخه های موجود از هر کتاب را بدست آورده است.

مجلسی در نقل مطالب بسیار دقیق عمل کرده و تقطیع در این کتاب جایگاهی ندارد. همچنین امانت در نقل و شیوه نقل مطالب دقیقاً رعایت شده است و مکررات نیز حذف شده و تنها آدرس موارد مشابه ذکر گردیده است. در مجموع بحار الانوار کتابخانه ای جامع از کتب و تألیفات معتبر شیعی است که مطالب آن با نظم منطقی در کنار هم چیده شده است.

1-7 تعاریف و اصطلاحات

1-7-1 امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) ششمین امام شیعیان که بنا به نقل برخی منابع، در سال 80 هجری¹ و به نقل منابع دیگر، در سال 83 هجری دیده به دنیا گشودند². مادر ایشان، فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی

1. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، 2 جلد، اول، قم، رضی، 1421 هـ ق، ج 2، ص 691.
2. محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، 2 جلد، اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 هـ ق، ج 2، ص 182؛ محمد بن یعقوب بن اسحق کلینی، الکافی، 8 جلد، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، 1362 ش، ج 1، ص 472.

بکر است. شهادت امام (علیه السلام) به اتفاق مورخان، در ماه شوال سال 148 هـ ق در دوران خلافت منصور عباسی بوده¹ و در برخی از کتابها گفته شده که روز آن، 25 ماه شوال بوده است.²

تکیه اصلی شیعه، از نظر فکری و عقیدتی، بر آموزه ها و دستورات امام صادق (علیه السلام) بوده و بخش زیادی از احادیث و علوم اهل بیت (علیهم السلام) توسط این امام همام گسترش یافته است. امام صادق (علیه السلام) حد فاصل ظهور فرقه‌هایی قرار گرفته بود که در شیعه به وجود آمده بودند و یا در حال شکل گیری بودند و از همین جهت است که ایشان وظیفه مهم حفظ و صیانت شیعه از انحرافات را در رأس برنامه خویش قرار داده بودند و آن را از تأثیرپذیری در برابر انحرافات موجود عصر خود، که خلوص فکری و عقیدتی و استقلال مکتبی آن را به طور مداوم مورد تهدید قرار می داد، بازداشتند. روایاتی که در باب امامت امام صادق (علیه السلام) نقل شده، در بسیاری از جوامع روایی و کتابهای تاریخ شیعه از جمله «کافی» (کتاب الحجّه) «کشف الغمّه فی معرفه الائمه»³ «اثبات الوصیه» و «ارشاد» مفید و «اثبات الهداء» وارد شده است.

امام صادق (علیه السلام) بعد از شهادت امام محمد باقر (علیه السلام) در سال 114 هـ ق⁴ تا سال 148 هـ ق به مدت 34 سال هادی مسلمانان و پاسدار دین اسلام بودند. ایشان تنها وصی و جانشین پدر بزرگوارشان بودند که به امامت و پیشوایی شیعه رسیدند و بر تمام سادات اهل بیت تقدم و پیشی داشتند، ایشان شرافت نسب و جلالت حسب را یکجا داشتند و علوم و دانشهای گوناگونی از ایشان منقول است که نظیر آنها از دیگران نقل نشده است.

ایشان در حکمت و علوم ادبی و دینی تبحر داشته و فوق العاده زاهد و پرهیزگار بودند. آن حضرت در مدینه و مدتی را هم در عراق سکونت داشتند و شیعیان و طرفدارانشان و سایر مسلمانان از وجود پرفیض ایشان بهره می بردند.

1. محمد بن یعقوب کلینی، ج 1، ص 472؛ الارشاد، ص 304

2. محمد تقی شوشتری (علامه تستری)، رساله فی تواریخ النبی و الآل، یک جلد، اول، قم، جامعه مدرسین، 1423 هـ ق، ص 68

3. کشف الغمّه، ج 2، ص 173-167

4. شیخ مفید، ص 294

ایشان هرگز به فکر ریاست و حکومت از آنگونه که طالبان دنیا و شیفتگان مظاهر فریبای جهانی گذرا برای رسیدن به آن دست و پا می شکنند، نیفتاد و در موضوع خلافت و برای به دست آوردن آن با احدی به نبرد برنخاستند.¹

علماء تاریخ و اهل سیره نوشته اند که امام صادق (علیه السلام) همیشه به عبادت و بندگی خدا و نیایش به درگاه الهی روزگار می گذرانیدند و از جاه طلبی و دنیاداری رویگردان بودند.

عبدالرحمن بن الجوزی (م 592 هـ ق) که خود از عرفاء بنام و معروف اهل سنت می باشد و از مؤلفین مشهور جهان اسلام است در کتابش موسوم به صفه الصفوة می نویسد: « جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (علیه السلام) یکنی أبا عبد الله أمه أم فروة بنت القاسم بن محمد بن أبي بكر الصديق كان مشغولا بالعبادة عن حب الرياسة؛ جعفر بن محمد شخصیتی بود که مشغولیت فراوانش به عبادت او را از عشق ریاست بازداشته و سیراب کرده بود»².

منصور عباسی همواره از فعالیت های آن حضرت در بین مسلمانان سخت نگران بود و اقبال و گرایش عموم مسلمانان به امام صادق (علیه السلام) به این بیم و نگرانی می افزود. منصور بعد از اینکه متوجه شد نمی تواند از نظر علمی و جایگاه اجتماعی امام صادق (علیه السلام) را مغلوب سازد به فکر حذف و شهادت آن حضرت افتاد.

سرانجام امام صادق (علیه السلام) در عصر منصور عباسی به شهادت رسیدند و در کنار پدر و اجداد مطهرش به خاک سپرده شدند.

1. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، ج 1، ص 166.

2. ابوالفرج عبدالرحمن ابن جوزی، صفه الصفوة، تحقیق محمود فاخوری و محمد رواس قلعه جی، 2جلد، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، 1399ق، ج 2، ص 168.

1-7-2- همگرایی

الف) همگرایی در لغت :

همگرایی در لغت به معنی پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجرای یک مجموعه با یکدیگر، اتحاد، تقارب، و در برابر « هم گرایی » واژه « واگرایی » قرار دارد که به معنی دور شدن اجزای یک مجموعه از همدیگر، تفرق و پراکندگی تعبیر و تفسیر کرده اند.^۱

هم چنین از کلماتی که از لغات هم سو وهم معنی با این واژه هستند می توان به اتحاد، تقارب، هم بستگی، هم آهنگی، هم داستانی اشاره کرد.

در تعریف هر کدام اینگونه آورده اند که منظور از « هم بستگی »: وابستگی، پیوند، اتصال یا ارتباط بین دو یا چند چیز، مشارکت، همراهی می باشد.^۲

و معنی « هم آهنگی » نیز عبارت است از: یک پارچگی، تناسب و سازگاری اجزای یک پدیده با یکدیگر، همانندی در رفتار و عمل و یا هدفی معین.^۳

و همچنین منظور از کلمه « هم داستانی » این است که: توافق، اتحاد عقیده، هم اندیشی و اتفاق نظر.^۴

اما کلمه ای که بسیار به کلمه همگرایی نزدیک بوده و معادل آن محسوب می شود واژه « وحدت » است که به معنی: یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفراد، تنهایی، یکی بودن، عینیت و اتحاد می باشد.^۵

1. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، 8 جلد، تهران، سخن، 1381، ج 8، ص 8411؛ غلامحسین صدری افشار و نسیرین حکمی و نسترن حکمی، فرهنگنامه فارسی، 3 جلد، چاپ اول، تهران، فرهنگ معاصر، 1388، ص 2905.

2. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، 50 جلد، تهران، چاپ سیروس، 1337 هـ.ش، ج 49، ص 270؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج 8 ص 8381.

3. حسن انوری، ج 8 ص 8392.

4. علی اکبر دهخدا، ص 279؛ حسن، انوری، ج 8، ص 8392.

5. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، 6 جلد، اول، بیروت، دارالعلم للملایین، 1376 هـ.ش، ج 2، ص 548.

ب) همگرایی در اصطلاح :

همگرایی از جمله واژگان تازه و نوپدید است که برای بیان معنی اصطلاحی آن می توان به کلمات مشابه و یا نزدیک به آن مراجعه نمود. بر همین اساس تبیین و بررسی کلمه «وحدت» که از کلمات کهن و پریشینه و از نظر معنی مشابه و یا نزدیک به کلمه همگرایی می باشد، می تواند ما را در جستجوی معنای اصطلاحی همگرایی بی نیاز و نیز در فهم آن یاری رساند.

وحدت در اصطلاح بزرگان و دانشمندان اسلامی عبارتست از: « همبستگی مسلمانان بر مشترکات و مسلمات دین اسلام، در آمال و مقاصد آن با حفظ و رعایت مرزها، که به منزله مجموعه واحد به شمار آیند.»¹

1-3-7- راهبرد

کلمه راهبرد در فارسی ترجمه شده واژه استراتژی می باشد که در ابتدا به عنوان یک اصطلاح نظامی بروز پیدا کرد و سپس با رشد فضای رقابتی، به حوزه علوم مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی نیز وارد شد.

این واژه در لغت به معنای برنامه، سیاست، نقشه، تدبیر، فرماندهی، رزم آرای و علم اداره کردن عملیات آمده است² و در اصطلاح به معانی روش یا سیاستی کلی برای نیل به مقصود، هنر طراحی و آرایش نظامی، تعیین خط مشی کلی، هنر توسعه و به کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل دیگران، به کار رفته است³ و به صورت خلاصه کلی ترین سخن درباره روش رسیدن به هدف می باشد.

1. مرتضی مطهری، شش مقاله، چاپ هفدهم، قم، انتشارات صدرا، 1383 هـ ش، صص 212-216.
2. حسن عمید، فرهنگ عمید، سه جلد، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1363 هـ ق، ج 1، ص 167.
3. حسن انوری، ج 1، ص 372.

1-7-4- روش

روش یعنی طرز حرکت و طرز رفتن^۱ و در فرهنگ بزرگ سخن به معنای چگونگی انجام دادن کاری، نحو، عمل و شیوه آمده است.^۲

همچنین معانی طرز، طریقه، قاعده، قانون و سبک را نیز برای آن ذکر کرده اند.^۳

1-7-5- سیره

صاحب نظران در علم لغت معانی متعددی را برای کلمه «سیره» ذکر کرده اند؛ مانند: روش، طریقه، سنت،^۴ سبک و نحوه انجام دادن کار، حرکت در روز، حرکت در شب و مطلق حرکت کردن و راه رفتن لذا سیره را مثل فطره بر وزن «فعله» گرفته اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می کند.^۵ راغب اصفهانی سیره را به معنای حالتی دانسته است که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد، چه آن حالت غریزی باشد یا اکتسابی،^۶ چنان که سیره در قرآن به همین معنا به کار رفته است: «سنعیدها سیرتها الاولى؛ ما آن (ازدها) را به حالت اولش (عصا) برمی گردانیم».^۷

به نظر اهل لغت یک نوع سیر و حرکت در قالب راه رفتن یا فعالیت های دیگر در مفهوم سیره نهفته است؛ همان گونه که مشتقات آن مانند «سار، سیر، سیر و سیروا» به نوعی متضمن معنای رفتار و حرکت هستند. همچنین کاربرد مشتقات سیره در قرآن کریم به شکل امر: «سیروا فی الارض»^۸ و فعل مضارع: «اولم یسیروا فی الارض»^۹ ناظر به همین معناست.

1. حسن عمید، ج 2، ص 1242.

2. حسن انوری، ج 4، ص 3737.

3. علی اکبر دهخدا، ج 26، کلمه روش.

4. احمد بن فارس ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، 6 جلد، اول، قم مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 هـ ق، ج 3، ص 61.

5. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، 15 جلد، سوم، بیروت، دار صادر، 1414 هـ ق، ج 6، ص 454.

6. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، 1412 هـ ق، ص 433.

7. سوره طه (20)، آیه 21.

8. سوره انعام (6)، آیه 11.

9. سوره روم (30)، آیه 9.

سیره در اصطلاح نیز به معانی متفاوتی به کار رفته است. برخی از سیره شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که سیره را فقط شامل فعل معصوم می دانند و بعضی دیگر علاوه بر فعل و عمل، قول را نیز جزء معنای سیره دانسته اند.

شهید مطهری در مورد معنای سیره می فرماید: سیره بر وزن فَعَلَه است و فَعَلَه در زبان عربی دلالت بر نوع می کند و این هیئت معنای خاصی به آن می بخشد لذا معنای آن عبارت است از نوع و سبک خاص رفتار.¹ لذا اینطور به نظر می رسد که از نگاه ایشان هر رفتاری را نمی توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود، چرا که هیئت مذکور در لغت عرب دلالت بر نوع و روش خاص دارد.

در مجموع و با توجه مطالب فوق سیره را به دو قسم می توان تقسیم کرد: یکی به معنای سیره عملی که عبارت است از معنایی خاص که سبک و قاعده رفتار می باشد، و دیگری که علاوه بر فعل، قول و گفتار شخص را نیز شامل می شود که در نوشتار سیره به همین معنا مورد توجه خواهد بود.

1-8- پیشینه همگرایی

دعوت به تقریب و همبستگی و پرهیز از تفرقه و جدایی از امور مهم و اساسی بوده است که خداوند متعال مکرراً در قرآن کریم به آن تأکید نموده اند، همچنین در سنت نبوی نیز سفارشات فراوانی بر آن شده است.

لذا می توان گفت که نخستین گامها در جهت ایجاد همگرایی و همبستگی بین مسلمانان توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همان اوائل ظهور درخت نوپای اسلامی برداشته شد، آنجا که در جامعه اسلامی به موازات رشد و نمو اسلام برخی جریانات نیز در جهت مانع تراشی برای کند کردن روند سریع رشد اسلام شروع به فعالیت کرده بودند که این حرکت های خصمانه نشأت گرفته از برخی از هواهای نفسانی مانند کینه های دیرین جاهلیت نسبت به اسلام، حسادت ها، قدرت طلبی ها، برتری جویی های فردی، قومی و قبیله ای بود؛ در چنین فضایی بود که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه

1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 16، ص 50.

و آله^(ع) افکار و اندیشه هایی را که در قرآن کریم در جهت ایجاد همبستگی و اتحاد بین مسلمانان و پرهیز از تفرقه و جدایی بین آنها، برای جامعه اسلامی عرضه شده بود با سیره خویش در بین مسلمانان رشد و گسترش دادند تا از این طریق به استحکام و قوام اساس اسلام و جامعه اسلامی منجر گردد.

با مطالعه تاریخ پر فراز و نشیب اسلام نیز به این نکته خواهیم رسید که بعد از رحلت حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بحرانهایی بر سر مسأله جانشینی ایشان بوجود آمد که به تدریج این بحران به سرتاسر جامعه اسلامی نیز سرایت کرد که نظام نوپای اسلامی را به شدت مورد تهدید قرار داده بود، در چنین شرایطی بود که امام علی (علیه السلام) با وجود شایستگی های فراوان ایشان برای جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نیز سفارشات فراوان و معرفی ایشان توسط شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان جانشین و زمامدار مسلمانان، از حقوق مسلم و قطعی خویش چشم پوشی کردند تا اینکه در بین مسلمانان همگرایی ایجاد کرده و اتحاد بین آنها تبدیل به تفرقه و تشتت و درگیری نگردد.

لذا بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حضرت علی (علیه السلام) را می توان بزرگترین منادی وحدت و ایجاد همگرایی بین مسلمانان دانست و بعد از آن حضرت و در پی بوجود آمدن شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی طی سالهای متمادی برای مسلمانان، سایر ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز با اتخاذ سیره مناسب و هوشمندانه خویش قدمهای مهم و اساسی را در ایجاد همگرایی بین پیروان و مذاهب مختلف و در جهت حفظ و صیانت از بنیان اسلام برداشتند.

1-9- همگرایی اسلامی

همگرایی و وحدت در هر جامعه ای یکی از مقدمات اصلی رسیدن به توسعه و پیشرفت در زمینه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می باشد که آرامش و امنیت و آسودگی خاطر را برای مردمان آن جامعه در پی خواهد داشت.

در این میان اسلام به عنوان مکتبی جامع و کامل با در اختیار داشتن آموزه های بی شمار اجتماعی و انسانی همگرایی اسلامی را به عنوان یکی از راههای رسیدن به عزت و سربلندی مسلمین مورد تأکید و توجه جدی قرار داده است تا از این طریق پیروان هر یک از مذاهب گوناگون اسلامی در عین پای بندی به احکام و عقائد مذهب خویش، در روابط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود با پیروان

مذاهب دیگر، همسو و تابع مصالح عالیه اسلام و امت اسلامی در تحقق این امر مهم کوشا باشند، که جایگاه مهم و والای این مقوله را می توان با دقت در آیات قرآن کریم و نیز سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و نیز ائمه اطهار (علیهم السلام) به روشنی ملاحظه نمود.

1-9-1- همگرایی در قرآن

وحدت و همگرایی اسلامی یکی از مهم ترین ضرورت های تاریخی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در جهت حفظ و صیانت از نظام اسلامی می باشد و از مهم ترین عوامل عزت و پیروزی آنها در همه صحنه هاست، و در مقابل، تفرقه و تشتت و واگرایی جز ذلت و پراکندگی و به هدر رفتن نیروهای فکری و سرمایه های انسانی امت اسلامی ثمری نخواهد داشت.

با مطالعه و بررسی آموزه های دینی مکتب اسلام به خوبی می توان به میزان اهمیت وحدت و هم بستگی و همگرایی و نیز پرهیز از اختلاف، دودستگی، تفرقه و پیامدهای پی برد.

قرآن کریم در آیات زیادی مسلمانان را به اتحاد و انسجام بین یکدیگر و دوری از تفرقه و چند دستگی سفارش نموده است و ارزش بی بدیل و ذاتی وحدت و همگرایی اسلامی را مورد تأکید قرار داده و مسلمانان را از عواقب واگرایی و ایجاد تفرقه در بین یکدیگر برحذر داشته است.

با دقت در آیات قرآن می توان این موضع قرآن کریم را به روشنی ملاحظه نمود که در ادامه مباحث به برخی از این آیات اشاره می نمائیم؛

خدواند در سوره آل عمران، امت را به عنوان «امتی واحد» می ستاید که حول محور توحید و ایمان به خدا جمع شده اند؛ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ ۗ بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم».

1. آل عمران (3) آیه 64.

از آیات دیگری که در آن قرآن مسلمانان را به عنوان «امت واحده» قلمداد نموده است آنجا است که می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»¹؛ اینک طریقه واحد و دین یگانه شما، آیین پاک اسلام است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم پس تنها مرا پرستش کنید».

در این آیه اشاره شده است که امت - برابر آنچه لغویان بیان کرده اند که عبارت است از: هر گروه و جماعتی که اندیشه ای واحد و مرام و مسلکی یگانه با هدفی یکسان آنان را با یکدیگر پیوند داده و ارتباط وثیق و محکمی را میانشان برقرار ساخته است²- آن زمانی محقق خواهد شد که هیچ گونه واگرایی و جدایی میان آنان وجود نداشته باشد و در فرض پراکندگی و تشتت و تفرقه میان عناصر و واحدهای تشکیل دهنده جامعه اسلامی تحقق نخواهد یافت.

باز در آیه ای دیگر نیز خداوند از دین اسلام به عنوان محور وحدت و عامل همبستگی یاد کرده و می فرماید: « وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا »³؛ و جملگی به رشته دین خدا چنگ زده به راه های متفرق نروید».

خداوند متعال در این آیه مسلمانان را امت واحده خوانده و مسلمانان را از ایجاد اختلاف و تفرقه بین یکدیگر برحذر می دارند و می فرمایند: «مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند»⁴، چراکه تفرقه و جدایی مسلمانان از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید آنها است، چون وقتی در بین مسلمانان همگرایی بوجود آمده باشد، عقایدشان به یکدیگر نزدیک شده و در آخر از راه تماس و تاثیر متقابل متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در بینشان کمتر رخ می نماید. بر عکس وقتی افراد نسبت به یکدیگر در جامعه واگرایی نشان دهند از یکدیگر جدا و بریده خواهند شد و همین اختلاف و جدایی

1. انبیاء(21) آیه 92.

2. فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، 6جلد، سوم، تهران، مرتضوی، 1375 هـ ش، ج6، ص 13.

3. آل عمران(3)آیه 103.

4. آل عمران(3)آیه 105.

باعث اختلاف مشربها و مسلکها می شود و به تدریج مسلمانان دارای افکار و آرای مستقل و جدای از یکدیگر خواهند شد.

در مجموع با دقت در این دست از آیات قرآن کریم که مسلمانان را دعوت به همگرایی و وحدت بین یکدیگر و عدم تفرقه و جدایی از همدیگر در جامعه اسلامی سفارش و توصیه می کنند ، این موضوع جلب توجه می کند که یکی از اهداف مهم در قرآن تشکیل یک امت واحد و یکپارچه بر اساس همدلی و برادری و محبت و عدالت و با تکیه بر اصول مشترک بین همه مسلمانان از مذاهب مختلف می باشد چراکه در نهایت از نزاع ، چند دستگی و جنگ و خونریزی جلوگیری خواهد نمود و به اقتدار و استحکام جامعه اسلامی و دین مبین اسلام خواهد انجامید .

1-9-2- همگرایی در سیره پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)

با مطالعه در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) به روشنی می توان دریافت که ایشان از همان سالهای ابتدائی نبوتشان، در راستای تأکیدات و سفارشات مکرر قرآن کریم و برای نزدیک کردن بشریت به یکدیگر و ایجاد همگرایی جوامع، آنها را به اصول مشترکی مانند توحید دعوت می نمودند.

در اینجا به برخی از سخنان و سیره آن حضرت که با هدف ایجاد وحدت و همبستگی در جامعه اسلامی بوده اشاره می کنیم.

الف: دعوت عمومی به همگرایی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر اساس آیه 64 سوره آل عمران که پیروان ادیان را به وحدت فرا می خواند¹، سیاستی را در پیش گرفتند که همزیستی و اتحاد اجتماعی در جامعه اسلامی در پرتو تمسک به اصول مشترک همه ادیان - یعنی اعتقاد و ایمان به خداوند- تشکیل گردد.

1. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَكَأَنُشْرِكُ بِهِ شَيْءًا، وَكَأَنُتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم».

نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به پادشاه حبشه نمونه ای از سیره آن حضرت در جهت تقریب ادیان با یکدیگر و با تمسک به اصول مشترک می باشد که ایشان ضمن بر شمردن اصول مشترک بین ادیان، مردمان آن سرزمین را به اسلام دعوت می کنند.

«به نام پروردگار بخشاینده مهربان، این نامه ای است از محمد فرستاده خدا به نجاشی اصحم بزرگ حبشیان، درود بر هر کس که از هدایت پیروی کند و به خدا و رسولش ایمان آورد و گواهی دهد که پروردگاری جز خدای یکتای وجود ندارد، خدایی که او را شریکی نیست و نه او را همسری است و نه فرزندی، و این که محمد بنده و فرستاده اوست، من تو را به آنچه خدا فرمان می دهد فرا می خوانم و من خود فرستاده اویم، مسلمان شو تا سلامت یابی، ای اهل کتاب به سوی عقیده ای که میان ما و شما برابر است بیایید، و آن این است که پرستش نکنیم مگر خدای را، و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی دیگر را ارباب به جز خدا نگیرد، و اگر اعراض کردند بگویند گواه باشید به آنکه ما مسلمانیم و اگر از این سرپیچی کنی گناه همه مسیحیان قوم تو بر گردن تو خواهد بود»^۱.

نمونه دیگر از رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ایجاد همگرایی در جامعه، اقدام ایشان در ایجاد وحدت در جامعه مدینه بود که ایشان در روزهای نخست ورودشان به مدینه، منشوری را تدوین نمودند که بر اساس آن مسلمانان در برابر بیگانگان متحد و یگانه باشند و حتی یهودیانی نیز که در کنار مسلمین زندگی می کردند در صورتی که سر جنگ و ناسازگاری با مسلمانان نداشته باشند و با دشمنان آنها متحد نشوند از حقوقی برابر و یکسان برخوردار خواهند بود.^۲

با مطالعه این قبیل از روایات مشخص می گردد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مواجهه با سایر ادیان، رویه همگرایی بر پایه اصول مشترک را مدنظر خویش قرار می دادند. لذا از همین جهت است که می توان گفت که به طریق اولی مسلمانان وظیفه دارند در زیر پرچم توحید و باتکیه بر اصول مشترک، زمینه های همگرایی و وحدت بین یکدیگر را فراهم سازند.

1. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه، 7 جلد، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1405 هـ ق، ج 2، ص 308.
2. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الیاباری و عبدالحفیظ شلبی، 2 جلد، بیروت، دارالمعرفه، ج 1، ص 503.

ب: ترغیب به همگرایی و پرهیز از واگرایی

پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای تحقق وحدت اسلامی همواره سعی و تلاش فراوانی می نمودند و در تمام طول دوران نبوت خویش مسلمانان را در جهت ایجاد و تحکیم پایه های همگرایی، وحدت، همبستگی، اخوت و همدلی بین یکدیگر ترغیب و از تفرقه و اختلاف و واگرایی بر حذر می داشتند و اینگونه در بین مسلمانان نهادینه نمودند که مسلمانی با تفرقه و جدایی و اختلاف سازگار نخواهد بود و می فرمودند: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ هر که یک وجب از جماعت دور شود خدا طوق مسلمانی از گردن وی بردارد».¹

همچنین در روایتی دیگر دوری از جماعت را اینگونه مورد نکوهش قرار دادند و بیان فرمودند: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر که از جماعت ببرد به رسم جاهلیت بمیرد»² و یا اینکه فرمودند: «وَالْجَمَاعَةُ خَيْرٌ وَالْفِرْقَةُ عَذَابٌ؛ جماعت را نیک و پراکندگی را مایه رنج و عذاب».³

در روایتی دیگر نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) با بیان اهمیت و ضرورت اتحاد و انسجام اسلامی اینگونه مسلمانان را به همگرایی و هم بستگی بین یکدیگر ترغیب و تشویق می نمودند: «أَتِنَانٌ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَلَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أُمَّتِي إِلَّا عَلَى هُدًى وَاعْلَمُوا أَنَّ كُلَّ شَاطِنٍ هَوَىٰ فِي النَّارِ؛ سه نفر، از دو نفر بهترند و چهار نفر از سه نفر بهترند. بر شما باد که با جماعت باشید، چرا که دست خدا با جماعت است. خداوند امت من را صرفاً بر هدایت جمع کرده است و بدانید هر کس از حق دور است، مقامش در آتش است».³

1. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجمعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، 107 جلد، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، 1363 ش، ج 2، ص 268.

2. نامعلوم، نهج الفصاحة، مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده، یک جلد، چاپ نوزدهم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، 1364 ش، ص 587.

3. علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوه السقاء، 17 جلد، چاپ سوم، بیروت، موسسه الرساله، 1409 هـ ق، ج 1، ص 205.

ج: پیمان برادری گامی در جهت ایجاد همگرایی

هجرت مسلمانان به مدینه، آغاز عصر جدیدی در تاریخ اسلام محسوب می شد که در آن زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تدارک پی ریزی یک جامعه اسلامی بر اساس احکام و قوانین مشروعه اسلامی بودند. از این رو نخست دستور دادند مسجدی ساخته شود تا پایگاه و مرکز اجتماع مسلمانان برای عبادت و نیز فعالیت های آموزشی، سیاسی، نظامی، قضایی و... باشد. سپس اقداماتی را در جهت آماده نمودن مسلمانان در جهت ایجاد این نظام اسلامی و پاسداری و نگه داری از آن انجام دادند، که از آن جمله فعالیتها و اقدامات برقراری پیمان برادری میان مسلمانان بود که راهبرد و روش مهمی در جهت تشکیل یک حکومت صالح و پدید آمدن امتی یکپارچه در سایه اتحاد و هم بستگی و پیوند محکم انسان های مؤمن با یکدیگر به شمار می آمد.

بستن عقد اخوت بین مسلمانان، پس از واقعه مؤاخات نیز ادامه یافت و تازه مسلمانان و مهاجران جدید نیز به این پیمان پیوستند. بنابر گفته بلاذری در انساب الاشراف، هیچ مهاجری بدون برادر وانهاده نشد.^۱ برقراری این پیمان راهکار مناسبی در جهت مقابله با چالش تعصبات قومی و نژادی در جهت ایجاد همگرایی و اتحاد بین مسلمانان محسوب می گردید، لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) مسلمانان را همواره به استحکام پیوند برادری و تقویت انسجام و وحدت در بین یکدیگر فرا می خواندند و می فرمودند: «ای مردم، پروردگارتان یکی است پدرتان هم یکی، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است، عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست، مگر به تقوا و پاکی».^۲

و در روایتی دیگری فرمودند: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَفَّؤُ دِمَائِهِمْ وَهُمْ يَدُ عَلَى مَنْ سَوَاهُمْ؛ مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند».^۳

1. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، 13 جلد، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، 1417 هـ ق، ج 1، ص 271.

2. ابی محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، مصحح علی اکبر غفاری، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله)، یک جلد، چاپ نهم، تهران، کتابچی، 1384، ص 33.

3. محمد باقر مجلسی، ص 148.

1-9-3- همگرایی در سیره امامان معصوم (علیهم السلام)

ائمه اطهار (علیهم السلام) در دورانی به سر می بردند که خلفای اموی و عباسی از طریق قهر و غلبه به قدرت رسیده و بر جامعه اسلامی حکومت می کردند ، آن بزرگواران با وجود مشروع نداشتن حکومت آنان این نکته را در نظر داشتند که این خلفا به نام اسلام بر جامعه اسلامی حکومت می کنند و انجام هرگونه عمل نسنجیده ای که منجر به ایجاد تفرقه و چند دستگی در جامعه اسلامی گردد نهایتاً به ضرر جامعه اسلامی و اساس اسلام تمام خواهد شد، لذا فعالیتها و تلاش های خویش را در جامعه بر اساس حفظ کیان و نظام اسلامی و ایجاد همگرایی و وحدت بین پیروان مذاهب موجود در جامعه و نیز جلوگیری از ایجاد تنش و تفرقه بین آنها ، استوار می ساختند .

لذا اهل بیت (علیهم السلام) همواره ضمن تأکید بر ضرورت حفظ نظام اسلامی و تلاش در جهت قوام و استحکام آن شیعیان و دوستانان خویش را به ایجاد امنیت و آرامش در جامعه اسلامی سفارش و آنها را به دفاع از حکوت اسلامی تشویق و آنان را از انجام تحرکاتی که برهم زننده اتحاد و انسجام اسلامی بودند، برحذر می داشتند.

فرمایشات ائمه اطهار (علیهم السلام) در باب ضرورت و اهمیت اتحاد و انسجام اسلامی در روایات فراوانی بیان گردیده است که حاکی از نتایج و پیامدهای دنیوی و اخروی همگرایی و وحدت و نیز زیان های تفرقه و اختلاف در بین پیروان مذاهب مختلف اسلامی در جامعه می باشد.

حضرت علی (علیه السلام) و نقش ایشان در ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی یکی از واقعیت های مهم تاریخی است که کسی نمی تواند آن را انکار نماید.

آن گونه که دانشمندان و علماء مختلف در کتب خویش به این واقعیت اقرار می کنند ، اسلام بقاء و ثبوتش را بیش از آن که مدیون شمشیر علی (علیه السلام) باشد مدیون سکوت و تحمل و صبر ایشان است زیرا شمشیر آن حضرت به منزله ابزاری برای ایجاد قدرت برای اسلام بود ولی سکوت ایشان به منزله بقای اسلام و ثبوت آن تلقی می شد، چنان که آن حضرت درباره دلایل سکوت خویش فرموده اند: «وَأَيُّمُ اللَّهِ لَوْ لَا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَنْ يَعُودُوا إِلَى الْكُفْرِ وَ يُعَوَّرَ الدِّينُ لَكُنَّا قَدْ غَيَّرْنَا ذَلِكَ

مَا اسْتَطَعْنَا؛ به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشتشان به کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان به گونه ای دیگر بود.^۱

آری اتحاد و انسجام اسلامی آن قدر مهم است که آن حضرت با وجود مصائب و سختی های فراوان، راه صبر در پیش گرفتند و وحدت را مایه سربلندی و شوکت ملتها و جدایی را موجب شکست آنان دانسته اند.^۲

همچنین آن حضرت پراکندگی را عامل فروپاشی و تباهی جامعه دانسته و فرموده اند: «وَأَلْزَمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ و با اکثریت همداستان شوید؛ که دست خدا همراه جماعت است، و از تفرقه پرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است؛ چنان که گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگان بیابان خواهد شد. آگاه باشید هر که مردم را بدین شعار بخواند، او را بکشید هرچند زیر عمامه من باشد.»^۳

یا آنجا که امام علی (علیه السلام) در وصیت خویش به حسنین (علیه السلام) همگان را به سازش بین یکدیگر دعوت نمودند و فرمودند که من از جد شما، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمودند: ایجاد سازگاری میان دو طرف، از هر نماز و روزه ای برتر است.^۴

از امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز در زمینه هم بستگی و اتحاد بین مسلمانان روایاتی نقل شده است که که شیعیان را به حضور در اجتماعات سایر مسلمانان خصوصاً نمازگزاردن با مخالفان مذهبی دعوت می کردند که به دو روایت از ایشان اشاره می نمایم که فرمودند: «صَلَّى حَسَنٌ وَ حَسِينٌ وَرَاءَ

1. محمد ابن نعمان، الامالی، تحقیق علی اکبر غفاری، یک جلد، قم، جامعه مدرسین، 1403ق، ص 155

2. نهج البلاغه، خطبه 192.

3. همان، خطبه 127.

4. همان، نامه 47.

مروانَ وَ نَحْنُ نَصَلِّيْ مَعَهُمْ؛ حسن و حسین (علیهما السلام) پشت سر مروان نماز گزارده اند و ما نیز با آنها نماز می گزاریم.¹

همچنین ایشان در روایتی دیگر فرمودند: «با ترک اطاعت از پادشاهتان ، خود را ذلیل نکنید. اگر او پادشاهی عادل است ، از خداوند بقای او را بخواهید و اگر ستمکار است ، از خدا بخواهید او را اصلاح کند ؛ چون صلاح شما در صلاح پادشاهتان است »² ، از این روایت می تواند استفاده کرد که امام با در نظر داشتن شرایط اجتماعی، سیاسی آن زمان بهترین راه را برای جلوگیری از تفرقه و جدایی در بین امت اسلامی حفظ و دفاع از تمامیت نظام اسلامی دانسته و شیعیان را نیز به این امر دعوت می نمودند.

امام محمد باقر (علیه السلام) نیز در حدیثی با اشاره به اهمیت و ضرورت اتحاد و همدلی بین مسلمانان آنها را به مهربانی و مأنوس و متحد بودن با یکدیگر سفارش می فرمودند.³

از اینگونه روایات می توان نتیجه گرفت که امامان شیعه (علیهم السلام) با وجود اینکه در طول بیش از دو قرن حضور خود، با فرقه ها و گروه های مختلف و ناهمگونی از مخالفان سیاسی و مذهبی روبرو بودند اما نوع برخوردهای اخلاقی، اجتماعی و سیاسی آن بزرگواران با این گروه ها که بر پایه اخلاق کریمانه، عالمانه و هدایت گرایانه بوده است، همگی در جهت دستیابی به هدف والایی چون ایجاد همگرایی و اتحاد و انسجام امت اسلامی و تقریب مذهبی و تقویت مبانی فکری اسلام صورت می گرفته است.

1-9-4- نقد گزاره های غیر همسو

اگرچه اهتمام معصومان بر همگرایی میان مسلمانان بوده است اما گاه گزارش های متفاوتی در این باره نیز دیده می شود که نیازمند دقت و بررسی بیشتری است.

-
- 1 . محمد بن حسن حر عاملی ، وسائل الشیعه ، تحقیق موسسه آل البیت (علیهم السلام) لإحياء التراث ، 30 جلد ، چاپ اول، قم ، مهر، 1412 هـ.ق، ج 8 ، ص 301.
 - 2 . محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی صدوق، یک جلد، چاپ پنجم، بیروت، اعلمی، 1400 هـ.ق ، ص 338 ؛ وسائل الشیعه ، ج 16 ، ص 220.
 - 3 . محمد بن یعقوب کلینی، جلد 2، ص 345.

روایاتی که گاه برخی از آنها مخالفان و منکران امامت را به عنوان کافر معرفی کرده اند که اینگونه از روایات با موضوع مورد بحث در این نوشتار در تضاد خواهد بود لذا در ذیل نمونه ای از آنها را یادآور شده و به نقد و ارزیابی آنها می پردازیم.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: «مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا»^۱

الف - استدلال به روایت

بر اساس این روایت انکار امامت موجب کفر می شود و امامت به عنوان یکی از اصول اعتقادی شیعه، ملاک و معیار برای تعیین اسلام و کفر افراد می باشد؛ یعنی باورمندی به آن، نشانه مسلمانی و عدم پای بندی نسبت به آن، علامت کفر خواهد بود و از طرف دیگر نیز روایات فراوان دیگری نیز در کتب حدیثی نقل شده است که این مطلب را ثابت می کنند.

ب- نقد استدلال به روایت کفر مخالفان

این نقد، مبتنی بر دو مقدمه است:

1- بر اساس روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است، کفر در قرآن، معانی مختلفی دارد که متصف شدن به برخی از معانی آن، موجب خروج از دین است؛ همچون انکار ربوبیت و معاد (که آن را کفر جحودی گویند) و برخی دیگر، نه تنها با اسلام، منافات ندارد، بلکه با آن، قابل جمع است. از این قبیل است، کفر به معنای ناسپاسی در برابر شکر و یا کفر به معنای ترک اوامر الهی در برابر اطاعت^۲، که کفر در روایات نیز به معانی فوق به کار رفته است.

2- از آیات و روایات استفاده می شود که نسبت میان اسلام و ایمان، عام و خاص مطلق است. بدین معنی که هر مؤمنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی، الزاماً مؤمن نیست. بنابراین، کفر مقابل

1. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 32، ص 325.

2. کلینی، الکافی، ج 2، ص 389.

اسلام نیز غیر از کفر مقابل ایمان است و نسبت میان این دو، عکس نسبت اسلام و ایمان است؛ یعنی هر کفر مقابل اسلام، کفر مقابل ایمان هم هست، و لکن هر کفر مقابل ایمان، کفر مقابل اسلام نخواهد بود. بنابر این کفر مقابل ایمان، با اسلام منافات ندارد.

با توجه به نکات فوق، پاسخ استدلال به روایات یاد شده، روشن می شود؛ زیرا این استدلال، در صورتی تمام است که پیشتر، دو مطلب به اثبات رسیده باشد: یکی این که دلالت روایات بر مدعا (کفر مخالفان) تمام باشد و دیگر این که معارض نداشته باشد؛ در حالی که هر دو مطلب، قابل مناقشه است؛ زیرا اولاً دلالت روایات فوق بر مدعا مخدوش است؛ چراکه روایات در بیشتر از روایات کفر در مقابل ایمان به کار رفته است نه مقابل اسلام و چنانچه گذشت کفر به این معنا، نه تنها با اسلام منافات ندارد، بلکه با آن قابل جمع است.

ثانیاً، بر فرض که مشکل دلالتی روایات مزبور منتفی باشد، باز هم تمسک به آنها از جهت دیگری مخدوش است؛ زیرا در برابر آنها روایات متعددی و معتبری وجود دارد که بر اسلام حقیقی مخالفان، به شرط عدم جحد و عناد دلالت می کند و در حقیقت می تواند حاکم و مفسر روایات مورد بحث باشد.¹

10-1- مبانی و مبادی همگرایی

برای برقراری همگرایی و اتحاد در بین گروهها و فرقه های مختلف در جامعه اسلامی ما نیازمند به اصول و شرایطی هستیم که از آنها به عنوان مبادی و مبانی تحقق همگرایی ذکر می شود که برخی از این مبانی و مبادی عبارتند از:

1-10-1- توجه به اصول و اشتراکات مذهبی

در بین مذاهب و فرق مختلف اسلامی تفاوت هایی وجود دارد اما در نهایت باورها و اندیشه های همه مذاهب برگرفته شده از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد و بدیهی است که توجه به این اصول و اشتراکات، فرهنگ همگرایی و اتحاد در بین مذاهب اسلامی را گسترش و در مقابل عوامل واگرایی و تفرقه را به حداقل می رساند.

1. برای اطلاع بیشتر رک به کتاب امامت پژوهی به کوشش محمود یزدی مطلق

2-10-1- احترام به عقائد فرقه ها و دوری از مطلق اندیشی

از جمله عواملی که می تواند تحقق همگرایی و ایجاد وحدت بین گروهها و فرقه های مختلف را به چالش کشانده و مانعی بر سر راه تحقق این مهم به شمار آید تفکر مطلق اندیشی و جزم گرایی است .

در این نوع از رفتار ، فرد مطلق گرا و جزم اندیش ، اعتقادات و باورهای خویش را درست پنداشته و در مقابل هر فرد یا گروهی که با عقیده و اندیشه او کوچکترین مخالفتی داشته باشد را باطل و مردود می داند ، که در نتیجه این نوع رفتار است که بین فرد و گروههای مختلف شکاف ایجاد خواهد شد و دیگر مجالی برای تبیین و بررسی اندیشه ها و اعتقادات فرقه ها توسط یکدیگر باقی نخواهد ماند .

لذا بر همین اساس برای مقابله با این نوع تفکر بهترین روش برقراری اعتماد و خوش بینی بین فرقه ها در جهت رسیدن به یک همگرایی و اتحاد معقول است که این موضوع زمانی محقق خواهد شد که هر فرقه و گروهی ضمن بیان عقاید و دیدگاههای خویش و دفاع حکیمانه و اصولی از این باورها ، گفته ها و اندیشه های طرف مقابل را نیز با متانت و صبر و بردباری شنیده و در صورت مواجهه با موارد نادرست با شیوه ای درست و با رعایت احترام متقابل به پاسخ گویی به آنها پردازد ؛ همانطوری که قرآن کریم می فرماید : « وَ الَّذِينَ اجْتَنَّبُوا الطُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنْبَأُوا إِلَى اللَّهِ لَهُ لَاقٌ الْبَشَرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ ؛ و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست پس بندگان مرا بشارت ده همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند».

1. سوره زمر (39) آیات 17 و 18 .

3-10-1- عبادت های جمعی

عبادت های جمعی نظیر نماز های جمعه ، جماعات و اعیاد و حج با توجه به نوع خاص برگزاری آنها در بین مسلمانان می تواند افزایش دهنده پیوندهای اجتماعی بین مسلمانان و از جمله عوامل مهم تأثیر گزار بر همگرایی بین مذاهب اسلامی محسوب گردد .

4-10-1- بینش و آگاهی مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر

مسلمانان از هرگروه و مذهبی که در جامعه اسلامی حضور داشته باشند در جهت اتحاد و انسجام اسلامی وظایفی را بر عهده دارند که از جمله آن موارد داشتن علم و آگاهی مناسب نسبت به سایر مذاهب اسلامی و باورها و اندیشه های آنان می باشد .

چرا که در صورت نبودن این علم و آگاهی ممکن است پیروان یک مذهب با تمسک به اطلاعات نادرست و غیر واقعی که از راههای نامشخص و نامطمئنی کسب نموده است مذهبی دیگر را به عنوان دشمن و رقیب خویش قلمداد نماید و تمام تلاش خود را در جهت تخریب و یا از بین بردن آن گروه به کار بندد که نتیجه ای جزء ایجاد تفرقه و از بین رفتن فرصتی مناسب برای ایجاد همگرایی بین مذاهب اسلامی را در پی نخواهد داشت و در مقابل در صورتی که مذاهب اسلامی از اعتقادات و اندیشه های یکدیگر آگاهی لازم را داشته باشند دیگر زمینه برای وجود اینگونه اختلافات و نزاع ها فراهم نخواهد آمد و در نتیجه بستر مناسبی برای ایجاد همگرایی و اتحاد و انسجام بین مذاهب اسلامی بوجود خواهد آمد .

5-10-1- عالمان و رهبران مذاهب اسلامی

از جمله عوامل زمینه ساز ایجاد همگرایی بین مذاهب اسلامی وجود عالمان و رهبران خردمند و اندیشمند است، این افراد با ملاحظه اوضاع فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی، پیروان مذاهب خویش را به گونه ای ارشاد و هدایت می نمایند که اعمال و رفتار آنها در بین مسلمانان، موجب همگرایی و اتحاد و مانع از تفرقه و جدایی بین مسلمانان گردد که همین امر نیز بیانگر نقش محوری و اساسی رهبران و عالمان دینی در حفظ کیان و بنیان اسلام را می رساند.

رهبران و عالمان بزرگ مذاهب مختلف با تلاش های خردمندانه ای همچون صدور فتواهایی در مسیر ایجاد همگرایی، شرکت در مناظرات و مباحثات با پیروان سایر مذاهب، تقویت بنیان های اخلاقی، اخوت اسلامی و همبستگی اجتماعی، می توانند اقدامات شایسته ای را در جهت تقویت و تقویت وحدت امت اسلامی به انجام رسانند.

از طرفی نیز با توجه به در نظر گرفتن این واقعیت که اختلافات دینی جزئی از جامعه اسلامی بوده است، همواره می بایست افرادی باشند که این اختلافات را به سمت و سوی هدایت نمایند که موجبات رشد و تعالی افراد جامعه اسلامی از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم نمایند، همانگونه که در سیره پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که ایشان در ابتدای حیات اسلام و با وجود اختلاف سلیقه ها و اندیشه ها به گونه ای عمل می نمودند که این اختلافات موجود را به مسیری هدایت نمایند که موجبات اقتدار و استحکام اساس نظام اسلام و جامعه اسلامی را فراهم آورند.

11-1- آثار و نتایج همگرایی

تفکر و اندیشه همگرایی بین مذاهب اسلامی مقوله ای مهم است که مانند نخ تسییحی عمل می کند که مذاهب اسلامی را که همانند مهره های آن تسییح می باشند، از پراکندگی و افتراق و دور افتادگی از یکدیگر باز می دارد و سبب ایجاد انسجام و اتحاد محکمی بین مهره ها می گردد و آثار و نتایج مبارکی همچون؛ رشد و تعالی مسلمانان، اقتدار جامعه اسلامی، حفظ اساس و بنیان اسلام و نیز نزول نعمت های الهی را در جامعه اسلامی به دنبال دارد.

الف: حفظ اساس و بنیان اسلام

با توجه به احادیث و روایات ائمه معصومین (علیه السلام) می توان گفت مهم ترین و اصلی ترین دستاورد و نتیجه همگرایی بین مذاهب اسلامی حفظ و صیانت اساس دین اسلام و استحکام آن می باشد که با تمسک به اصول مشترک و دوری از اختلافات توسط مسلمانان از مذاهب مختلف حاصل می گردد، این مهم همواره مورد تأکید و توصیه معصومان بوده چنانکه بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) زمانیکه ابوسفیان پیشنهاد بیعت با حضرت علی (علیه السلام) را مطرح می کند، حضرت علی (علیه السلام)

در جهت حفظ اسلام و جلوگیری از فتنه و آشوب در بین مسلمانان، ضمن رد درخواست ابوسفیان در جواب به وی می فرمایند؛ « وَاللَّهِ إِنَّكَ مَا أُرِدْتَ بِهَذَا إِلَّا الْفِتْنَةَ، وَ إِنَّكَ وَاللَّهِ طَالَمَا بَغَيْتَ لِلْإِسْلَامِ شَرًّا! لَا حَاجَةَ لَنَا فِي نَصِيحَتِكَ؛ به خدا سوگند در پس این پیشنهاد، هدفی جز فتنه و آشوب نداری، به خدا سوگند تو از دیرباز بدخواه اسلام بوده ای. ما را به اندرز تو نیازی نیست.»¹

حضرت علی (علیه السلام) از نخستین روزهای رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا مرحله شهادت با وجود اینکه خلافت را حق مسلم خویش می دانستند و همواره گله مندی و تظلم خواهی خویش را نیز ابراز می داشتند، اما در عمل با در پیش گرفتن شیوه سکوتی حساب شده و هوشمندانه و البته مرارت بار و به تعبیر خود آن حضرت تلخ تر از حنظل²، از سخنان و فعالیتهایی که ممکن بود به تفرقه و جدایی بین مسلمانان بیانجامد جلوگیری به عمل می آوردند.

ب: رشد و تعالی مسلمانان

همگرایی و اتحاد بین مسلمان و دوری از هرگونه تفرقه و پراکندگی موجبات رشد و پیشرفت اجتماع مسلمانان را نیز به دنبال خود خواهد داشت، چراکه زمانی که بین مذاهب مختلف اسلامی با هرگونه باور و اندیشه ای که دارند نوعی همبستگی و همگرایی مذهبی ایجاد گردد در نهایت منجر به پیشرفت و رشد جامعه اسلامی خواهد گردید.

در رابطه با همین موضوع پیامبر گرامی اسلام می فرمایند؛ «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُوصِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ افراد با ایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم می کند.»³

1. عزالدین ابوالحسن ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، 13 جلد، بیروت، دار صادر، 1385 هـ.ق، ج 2، ص 325.

2. نهج البلاغه، خطبه 26.

3. نهج الفصاحه، ص 628.

ج: نزول نعمت های الهی

با توجه به آیات و روایت وارده از ائمه اطهار (علیهم السلام) یکی از اسباب قطعی نزول برکات خداوند براتی مسلمانان همین اتحاد و همبستگی بین آنها می باشد و در نقطه مقابل نیز وجود تفرقه و دسته بندی های مختلف مانعی خواهد بود بر سر راه نزول برکات و نعمت های الهی برای مسلمانان که در این رابطه می توان به سخنان گوهر بار امیر مومنان علی (علیه السلام) اشاره کرد که می فرمایند: « مبادا در دین دورویی ورزید که همبستگی و وحدت در راه حق گرچه کراهت داشته باشید از پراکندگی در راه باطل گرچه مورد علاقه شما باشد بهتر است زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است»^۱.

د: اقتدار جامعه اسلامی

از جمله مولفه های مهم و راهبردی در جهان اسلام که باعث اقتدار و عظمت و سربلندی جامعه اسلامی می گردد همگرایی و تقریب بین مذاهب اسلامی در سطح جامعه اسلامی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان پیام آور الهی تأکیدات خاص و ویژه ای بر این موضوع داشتند آنجا که ایشان می فرمایند: « المسلمون ید علی من سواهم تتکافوا دماؤهم ؛ تمام مسلمانان مانند یک دست در برابر بیگانگان متحد هستند»^۲.

1 نهج البلاغه ، خطبه 176.

2. علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، هندی، ج 1، ص 99.